

دلالت‌های نظری و عملی انگاره جاهلیت مدرن در گفتمان انقلاب اسلامی

مهدی نادری^۱

چکیده

از جمله مسائل اصلی متفکران مسلمان ایرانی و غیرایرانی، شناخت غرب و مبانی تمدنی آن است. انگاره «جاهلیت مدرن»، تعبیر و اصطلاحی است که برای نقد مبانی معرفتی و منطق رفتاری تمدن غرب در گفتمان فکری انقلاب اسلامی بکار گرفته شده است. این مقاله با رویکرد کیفی و روش تحلیل اسنادی، درصدد پاسخ به این سوال است: «مبانی نظری و مصادیق عملی کاربست انگاره جاهلیت در گفتمان انقلاب اسلامی چیست؟». یافته‌های پژوهش بر ملاحظاتی چند تاکید دارد: اول، جاهلیت تعبیری اسلامی است که در قرآن کریم و سیره معصومین علیهم السلام برای نشان دادن قیاحت و بطلان هرگونه باور، اخلاق و رفتار غیر اسلامی و ضد اسلامی بکار گرفته شده است. دوم، اطلاق جاهلیت مدرن بر معرفت و منطق رفتاری غرب از جانب گفتمان فکری انقلاب اسلامی دلالت‌هایی دارد: الف. از منظر نظام معنایی، جاهلیت مفهومی کلی است و مصادیق و مراتب فراوانی دارد. تفاوت جاهلیت مدرن با جاهلیت کهن - جاهلیت صدر اسلام - در شکل ظاهری و نه محتوا است. از اینرو، جاهلیت به معنای «حاکمیت شهوت و غضب» بر محیط زندگانی انسان و در مقابل «حاکمیت عقل هدایت شده الهی» بر محیط زندگانی انسان است. ب. ابتذال اخلاقی، نسبی‌گرایی معرفتی، تکلیف‌گریزی (انسان‌محوری) و ناسیونالیسم (عصبیت) از نشانه‌های اطلاق جاهلیت مدرن است. ج. جاهلیت مدرن با شاکله، ابزار و تدابیر جدید و با به خدمت گرفتن ابزارهای علمی و تبلیغاتی پیشرفته نسبت به جاهلیت کهن، مجهزتر است. لازمه فائق آمدن بر جاهلیت مدرن دو راهکار سلبی (مقاومت اسلامی) و ایجابی (تلاش برای تحقق حیات طیبه اسلامی) می‌باشد.

کلید واژه‌ها: اسلام، انقلاب اسلامی، جاهلیت مدرن، سیاست.

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در «عصر سکیولار»، پدیده شگرف و بی‌بدیلی رقم زد که طلیعه و تأثر آن، در سپهر نظر و عرصه عمل مشهود است. اصطلاح «عصر سکیولار»، اصطلاحی است که تیلور در کتابی با همین عنوان، برای نامیدن و تفسیر معرفت و سیاست غالب بشری در قرن بیستم از آن مدد می‌جوید (Taylor, 2007). گفتمان اسلام سیاسی برخاسته از انقلاب اسلامی، با مطرح کردن قرائت اسلام ناب محمدی(ص) در مقابل سایر قرائت‌های موجود از اسلام، عملاً مبانی فکری خود را از کلام وحی و سنت حضرت رسول(ص) مأخوذ کرده و فقه جواهری را تنها مجرای تفسیری قابل قبول از اسلام معرفی نموده است (خمینی، ۱۳۶۹: ۲۱). منطوق چنین قرائتی از اسلام، عقلانیتی ویژه در پی داشته، که می‌کوشد منطق فکری، اخلاقی و رفتاری اسلام در عصر رسول اکرم(ص) را با در نظر گرفتن مقتضیات زمانی و مکانی عصر حاضر، مجدداً عملیاتی و نهادینه کند.

گفتمان انقلاب اسلامی از یک سو، قرائت‌های اسلامی رادیکال (داعش)، محافظه‌کار (اسلام آمریکایی) و لیبرال (نواندیشان دینی) را غیراصیل می‌داند و از سوی دیگر، می‌کوشد اصالت و حقانیت خود را در مقابل گفتمان‌های غیر اسلامی (همچون لیبرال دموکراسی) حفظ نماید. انگاره «جاهلیت» در این گفتمان، رديه‌ای است که برای بطلان افکار، اخلاق و رفتارهای غیراسلامی یا ضداسلامی به کار می‌رود. اینکه چرا این گفتمان، از انگاره جاهلیت برای مرزبندی خود با سایر گفتمان‌های رقیب، استفاده می‌کند، سؤالی بنیادین است که ذهن مخاطبان را مشغول می‌نماید. به‌عنوان مثال، اطلاق جاهلیت در گفتمان انقلاب اسلامی بر لایه‌های رفتاری تمدن لیبرال دموکراسی که پیشامد پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژیک در دوران جدید است، بر مبنای چه منطقی قابل توجیه است؟! با این اجمال، این نوشتار درصدد پاسخگویی به این سؤال است: «مبانی نظری و مصادیق عملی کاربست انگاره جاهلیت در گفتمان انقلاب اسلامی چیست؟». مفروض نگارنده این است که انگاره جاهلیت در گفتمان انقلاب اسلامی ریشه نقلی و عقلی در نزد متفکران اسلام سیاسی داشته و می‌تواند چارچوبی معقول برای تحلیل انتقادی تمدن‌های غیرالهی باشد (فرضیه). رویکرد پژوهشی نگارنده در پاسخ به این سؤال کیفی و مبتنی بر روش تحلیل اسنادی است. در روش تحلیل اسنادی، تلاش می‌شود پیرامون سؤال اصلی، داده‌ها با رجوع به آثار، بیانات، نشانه‌ها و متون برجای مانده گردآوری و آنگاه تحلیل شود. این مقاله از دو جنبه موضوعی و رویکردی دارای نوآوری است: اول، نظر به بررسی که نگارنده در رابطه با موضوع پژوهش انجام داده است تاکنون کتاب یا مقاله‌ای در این رابطه (فهم سیاسی متفکران انقلاب اسلامی از جاهلیت مدرن) منتشر نشده است. تنها دو مقاله با عناوین «راهکارهای اخلاقی مقابله با مؤلفه‌های جاهلیت در جوامع مدرن (با تکیه بر قرآن و دعای مکارم‌الأخلاق)» (شعبانپور و بشارتی، ۱۳۹۲) و «مؤلفه‌های قرآنی فرهنگ جاهلیت و مصادیق آن در جوامع مدرن» (شعبانپور و بشارتی، ۱۳۹۴) در فصلنامه‌های علوم قرآنی منتشر شده که رویکرد آن علوم قرآنی می‌باشد. دوم آنکه، با توجه به نگرش متفاوت متفکران شیعی با اهل تسنن در رابطه با فهم و راهکار مقابله با جاهلیت؛ می‌توان با نشان دادن فهم متمایز متفکران برجسته

انقلاب اسلامی، از یکسان‌پنداری این دو رویکرد که پیامدهای نامطلوبی برجای خواهد گذاشت؛ اجتناب نمود.

مبانی نظری

۱. جاهلیت در قرآن و سنت

تدقیق در آیات قرآن کریم حکایت از آن دارد که واژه «جاهلیت» به صورت مستقیم در چهار آیه با تعبیری چون «ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةَ»، «تَبَرَّجَ الْجَاهِلِيَّةَ»، «أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةَ» و «خَمِيَةَ الْجَاهِلِيَّةَ» به کار رفته است. در کنار این آیات، مشتقات جاهلیت نظیر «تجهلون»، «جاهلون» و «جاهلیت» در برخی از آیات به کار رفته است. وجه مشترک در تمامی این آیات، آن است که خداوند متعال بخاطر آداب، رسوم و رفتار غیراخلاقی و غیرانسانی، اعراب را ملامت و مذمت کرده است. در آیات قرآن کریم به برخی از مصادیق رفتار جاهلی نظیر زنا (اسراء/۳۲)، اجبار کنیزان به زنا (نور/۳۳)، شرک، عدم نیکی به والدین و کشتن فرزندان از بیم فقر (انعام/۱۵۱)، زنده به‌گور کردن دختران (تکویر/۸)، رباخواری (بقره/۲۷۵ و ۲۷۶)، میگزاری (بقره/۲۱۹)، حقارت زن (نحل/۵۸ و ۵۹)، قمار و ازلام (مائده/۹۰) و مقدس شمردن برخی حیوانات (مائده/۱۰۳) اشاره شده است (اسماعیل باغستانی، ۱۳۹۳، ج ۹: ۵۱۱-۵۱۲). نظر به اهمیت موضوع، به دیدگاه تفسیری برخی از مفسران در رابطه با چهار آیه فوق‌الذکر که در آن تعبیر جاهلیت مستقیماً مورد اشاره قرار گرفته است اجمالاً اشاره می‌شود:

یک. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۱۵۴ سوره آل عمران «...طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّي ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ...» بر این نکته تأکید دارد که ظن الجاهلیه دلالت بر پندارهای جاهلی - اعتقاد به رب الانواع - است که برخی از یاران پیامبر(ص) داشتند و در وصف خدا، حق نبود. دلالت این آیه حکایت از مقام تفکر و باور نادرست است که اطلاق جاهلیت بر آن بار می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۷۳).

دو. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۵۰ از سوره مائده «أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» بر این نکته تأکید دارند که حکم دو قسم بیش نیست یا از حکم خدای متعال باید پیروی کرد و یا باید تابع هوا و هوس بود؛ حالت دوم مصداقی از حکم جاهلیت است که از جانب خدای متعال نهی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵: ۵۸۳). از این‌رو می‌توان گفت که زمان جاهلیت مختص یک دوره تاریخی خاص نیست بلکه هر زمان که مردم از حکم خداوند فاصله گیرند دوران جاهلیت است (قرائتی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۱۱۱).

سه. علامه طباطبایی در ذیل آیه ۳۳ از سوره احزاب «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» بر این نکته تأکید دارد که منظور از جاهلیت، جاهلیت قدیم است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۴۶۲). آیت الله مکارم شیرازی دلالت این آیه را ناظر بر توبیخ همسران پیامبر از پیروی از نوع پوشش زنان جاهلی و تبرج آنها می‌داند. با این قید که آیه حکم عامی - رعایت حجاب - را برای سایر زنان بیان کرده است. به اعتقاد ایشان، جاهلیت اولی در مقابل جاهلیت قرن بیستم می‌باشد و این امر، یکی از پیشگویی‌های اعجاز آمیز

قرآن است: «اگر در جاهلیت عرب زنان، تبرج به زینت می‌کردند و روسری‌های خود را کنار می‌زدند به‌گونه‌ای که مقداری از سینه و گلو و گردن‌بند و گوشواره آنها نمایان می‌گشت، در عصر ما کلوپ‌هایی تشکیل می‌شود بنام کلوپ برهنگان (که نمونه آن در انگلستان معروف است) که با نهایت معذرت افراد در آن برهنه مادرزاد می‌شوند، رسوایی‌های پلاژهای کنار دریا و استخرها و حتی معابر عمومی گفتنی است... و جاهلیت عرب بر آن صد شرف دارد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱۷: ۳۱۵).

چهار. مفسر تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۶ از سوره فتح «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ» از حمیت، تعصب و خشم جاهلی به‌مثابه بزرگترین سد کفار برای پذیرش دعوت خداوند تبارک و تعالی یاد می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۲۰: ۹۵).

در روایت معصومین علیهم السلام، همچنین واژه جاهلیت در قباحات نوعی از اخلاق، رفتار و آداب و رسوم آمده است. تدقیق در روایات معصومین (ع) بیانگر دو نکته اساسی است:

اول آنکه، برخی از روایات صادره در رابطه با جاهلیت ناظر بر رفتار اعراب جاهلی در آستانه بعثت حضرت رسول (ص) است. حضرت علی علیه السلام در خطبه دوم از نهج البلاغه، اعراب جاهلی را چنین توصیف می‌کند: «مردم در شبانگاه طلوع حضرت محمد(ص) گرفتار فتنه‌هایی بودند که رشته دین را گسیخته و ارکان یقین را لرزانده... بازار هدایت بی‌رونق و ظلمت کوری همه‌گیر. عاصی بر خدا و فرمانبر شیطان... آنها مظهر شیطان و پرچمدار او بودند... فضایی مه‌آلود از سرگردانی و نادانی و گرفتاری بر سینه‌ها سنگینی می‌نمود. آنها در برترین خانه‌ها (حرم الهی) و در کنار بدترین همسایگان (بت‌پرستان) بودند. چه جامعه ناامنی که خوابشان پریشانی و کابوس، و روشنی چشمشان اشک خون بود، در سرزمینی که دهان دانشمندان به ذلت بسته، و نادانان بر کرسی احترام نشسته». از مجموع روایات صادره از پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) چنین استنباط می‌شود که همواره این بزرگوران از هر فرصتی برای اصلاح افکار، اعمال جاهلی و جاهلیت زدایی استفاده می‌نمودند. در مواردی، اساس جاهلیت یعنی تعصب(حمیت) را تخطئه می‌نمودند و در مواردی دیگر، مصادیق آن را بر می‌شمردند و از آن انتقاد می‌کردند. در برخی از روایات آمده است که اصحاب پیامبر(ص) مکرر از اعمالی که در دوره جاهلیت انجام داده بودند سؤال می‌کردند؛ پیامبر اکرم(ص) در پاسخ به آنها می‌فرمودند چنانچه اسلام و ایمان حقیقی آورید به اعمال آن دوره مواخذه نمی‌شوید (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۱: ۳۷۸). در غیر این صورت، هم به اعمال دوره جاهلیت و هم دوره پس از اسلام مواخذه خواهید شد. پیامبر اکرم(ص) در زدودن رفتار جاهلی از سیمای اعراب بسیار جدی بودند و حتی به‌جای دو روزی که اعراب به رسم پیشانیان به جشن و پایکوبی می‌پرداختند دو روز عیدفطر و قربان را جایگزین کردند (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۳: ۱۰۳ به نقل از امانی، ۱۳۹۲: ۲۶ و ۲۷).

دوم آنکه، برخی از روایات دلالت بر تقبیح برخی از اعمال و رفتارهای صحابه و مسلمانان دارد؛ که در واقع، مصداقی از فرهنگ جاهلیت به‌شمار می‌آید. این امر نشان می‌دهد که باور، اخلاق و رفتار جاهلی برخی از پیروان در ساحت گسترش اسلام همچنان تداوم دارد. حضرت زهرا(س) نیز در خطبه فدک با اشاره به عبارت قرآنی «أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةَ» ماجرای سقیقه، احوال مردم و نافرمانی از احکام الهی را تحلیل و

تبیین می‌کند (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۰۴). در روایتی نورانی از پیامبر اکرم(ص) چنین نقل شده است که هر کس به اندازه ذره‌ای (خردل) در دلش تعصب جاهلی باشد خداوند او را در روز قیامت با اعراب جاهلی محشور خواهد کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۰۸). حضرت امیر علیه السلام نیز در خطبه قاصعه، مسلمانان را از افتادن در کینه‌ها و عصبیت جاهلی برحذر نموده است: «آتش عصبیت و کینه‌های جاهلی را که در اعماق دلتان کمین گرفته است، خاموش سازید که این حمیت برای مسلمانان از خطرهای شیطان است و از خودکامگی‌ها و تباهاکاری‌ها و وسوسه‌های اوست» (خطبه ۱۹۲ از نهج البلاغه). در روایتی نورانی از امام صادق(ع)، سیره حضرت مهدی(عج) را در عصر ظهور همچون پیامبر اکرم(ص) که مبارزه با جاهلیت بود؛ بیان می‌فرمایند: «امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مانند پیامبر(ص) به اسلام عمل خواهد کرد. همان‌گونه که پیامبر آنچه از روش جاهلیت بود را از میان برد، امام عصر(ع) نیز روش‌های جاهلی پیش از ظهور خود را نابود خواهد ساخت و اسلام را از نو پی‌ریزی خواهد کرد» (النعمانی، ۱۳۹۹: ۲۳۱).

۲. جاهلیت در فلسفه سیاسی اسلام

مدینه فاضله - مدینه غیر فاضله

در فلسفه سیاسی اسلام، تقسیم اجتماعات بشری بر مبنای افعال ارادی انسان انجام گرفته است: «چون افعال ارادی انسان منقسم است به دو قسم، خیرات و شرور، اجتماعات نیز منقسم باشد بدین دو قسم: یکی آنچه سبب آن از قبیل خیرات بود و دیگر آنچه سبب آن از قبیل شرور بود، اول را مدینه فاضله خوانند و دوم را مدینه غیر فاضله» (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۲۸۰). توضیح مطلب آنکه، قوای نفس انسانی در دیدگاه فلاسفه مسلمان به قوه شهوت، غضب، وهم و عقل تقسیم می‌شود (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۱: ۲۷۶). و حاکم شدن هر یک از آنها بر دیگر قوا یا حاکم شدن ترکیبی از این قوا بر دیگری، منشأ صدور فضایل اخلاقی یا رذایل اخلاقی انسان در جامعه می‌گردد. حضرت امام(ره) در این رابطه چنین می‌فرمایند: «بدان که وهم و غضب و شهوت ممکن است از جنود رحمانی باشند و موجب سعادت و خوشبختی انسان گردند، اگر آنها را تسلیم عقل سلیم و انبیاء عظیم الشان نمایی. و ممکن است از جنود شیطانی باشند، اگر آنها را سر خود گردانی و «وهم» بر آن دو قوه با اطلاق عنان حکومت دهی» (خمینی، ۱۳۷۱: ۱۶). به تعبیر امام خمینی(ره) آنچه که می‌تواند عنان نفس انسانی را تعدیل نماید «موازنه» قوای نفسانی تحت قوه عاقله و هدایت الهی است. به عبارتی دیگر، سرکشی «شهوت» نفس در انسان باعث می‌گردد انسان به هر فجور و حرامی - حتی زنا در خانه کعبه - دست زند. و چنانچه قوه «غضب» در نفس انسان رها باشد با قهر و غلبه درصدد تأمین خواسته‌ها ولو به کشتن پیامبران و اولیاء الهی خواهد بود. اگر قوه «واهمه» شیطانی بر انسان مسلط شود با هر نقشه و نیرنگی، انسان می‌کوشد حتی با بینوا ساختن یک شخص، یا خانواده یا شهر و مملکت بر بندگان خدا مسلط گردد (محدثی، ۱۳۹۴: ۸-۱۰). چنین تلقی از انسان و تأثیر اعمال او - خیر یا شر بودن - در حیات سیاسی و اجتماعی سبب شده است که در دیدگاه امام خمینی(ره)، سنخ سیاست بشری از دو گونه «حیوانی و شیطانی» یا «الهی» خارج نباشد (خمینی، ۱۳۷۵: ۲۴۶).

مدینه جاهله از اقسام مدینه غیر فاضله

بر اساس فلسفه سیاسی اسلام، انواع مدن به فاضله و غیرفاضله تقسیم می‌شود. با این قید که، مدینه فاضله منحصر بفرود است: «مدینه فاضله یک نوع بیش نبود، چه حق از تکثر منزه باشد و خیرات را یکی طریق بیش نبود» (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۲۸۰). حال آنکه مدینه غیرفاضله در انواع مختلفی تجلی می‌یابد: «هر یکی از این مدن منشعب شود به شعب نامتناهی، چه باطل و شر را نهایی نبود» (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۲۸۰). در دیدگاه فارابی، نقطه عزیمت طرح مدینه فاضله، در تمییز دو نوع سعادت حقیقی و سعادت پنداری است. حکومتی که تکفل تحقق سعادت حقیقی را برعهده دارد، حکومت فاضله و حکومتی دیگر که سعادت پنداری را محقق می‌سازد، حکومت جاهلیت است (فارابی، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

در یک تقسیم‌بندی کلی، فیلسوفان مسلمان مدینه غیرفاضله را به سه نوع مدینه جاهله، فاسقه و ضاله تقسیم نموده‌اند. نظر به اینکه موضوع این نوشتار جاهلیت است تنها به تفصیل مدینه جاهله پرداخته خواهد شد. به اعتقاد فلاسفه اسلامی، مدینه جاهله مدینه‌ای است که انسان‌ها بخاطر بهره‌مندی از تمایلات شهوانی، غضبی و وهمی، تمدن ایجاد کرده‌اند: «اشخاص انسانی، از استعمال قوت نطقی خالی باشند و موجب تمدن ایشان تتبع قوتی بود از قوای دیگر و آن را مدینه جاهله خوانند» (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۲۸۰). خواجه نصیرالدین شش نوع مدن جاهله را شناسایی کرده است: ضروری، نذالت (ثروت اندوزی)، خست (لذت طلبی)، کرامت، تغلی (سلطه‌گر) و حریت (آزادی خواه) (خواجه نصیر، ۱۳۷۳: ۲۸۹).

دیدگاه‌های معاصر

در رابطه با معنای جاهلیت دو دیدگاه مطرح است: برخی واژه «جهل» را در مقابل «علم» قرار می‌دهند. به نظر می‌رسد این معنا از جهل که به معنای فقدان آگاهی و دانش است در ادبیاتی قرآنی و روایی نازل‌ترین و دورترین معنا از جاهلیت در دوره قدیم باشد. در مقابل برخی از نویسندگان، «جهل» را در مقابل حلم (فقدان عقل) قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال، گولدزیهر از خاورشناسان مجاری در مقاله «عصر جاهلیت»، بر این نکته تأکید دارد که جهل دلالت بر نادانی ندارد بلکه به معنای بربریت و وحشی‌گری است. توشیهیکو ایزوتسو از اسلام‌شناسان ژاپنی با نگاه تکاملی به دیدگاه گولدزیهر بر این نکته تأکید دارد که جاهلیت به معنای دشمنی با عقیده توحید و پرخاشگری به آن است. به اعتقاد ایزوتسو دنیا دوستی و قبیله‌گرایی روح حاکم بر عصر جاهلیت بود (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۸۹). به باور برخی از نویسندگان، جهل در مقابل فعل حکیمانه معنا می‌یابد. به عبارتی، هر عملی که دلالت عقلانی نداشته باشد عملی جاهلانه است. از این رو می‌توان گفت که «جاهلیت نه به معنای بی‌خبری و بی‌سوادی و نادانی که باید به معنی غفلت و تاریکی اخلاقی دانست». در منابع روایی نظیر کافی شیخ کلینی (نک: کلینی، ۱۴۰۷)، کتاب «العقل و الجهل» و نه کتاب «العلم و الجهل» آمده است: «چرا که در جاهلیت نفس و خواسته‌های نفسانی مدار و محور حرکت بود ولی در اسلام خدا محور و مدار قرار می‌گیرد» (امانی، ۱۳۹۲: ۳۴ و ۳۵).

در دوران جدید، ابوالاعلی مودودی برای اولین بار مفهوم حاکمیت را در معنای مدرن به‌کار برد (خسروی، ۱۳۹۰، ج ۱۴: ۲۱۲) و با تقسیم حاکمیت به حاکمیت الهی و طاغوت، سنگ‌بنای شناسایی و

معرفی «جامعه اسلامی» و «جامعه جاهلی» را گذاشت. مودودی در کتاب «اسلام و جاهلیت»، شیوه‌های تجربی، اتکاء به گمان و تخمین؛ و رسالت انبیاء را شیوه‌های سه‌گانه پیش‌روی بشر برای پاسخگویی به مسائل اساسی زندگی به‌شمار می‌آورد. با این قید که دو شیوه تجربی و اتکاء به حدس و گمان را «جاهلیت محض» و شیوه سوم را «اسلام» می‌داند (مودودی، ۱۳۳۳: ۸-۹ و ۲۰).

سید قطب متأثر از مودودی در کتاب «المعالم فی الطریق» شاخص‌های جامعه متمدن که همان جامعه اسلامی است را بر می‌شمارد. جریان داشتن حاکمیت الله، شکل‌گیری جامعه مبتنی بر عقیده، والامقام بودن ارزش‌های انسانی، حاکم بودن ارزش‌ها و اخلاق انسانی، اجتماع مبتنی بر خانواده و سیلان داشتن وظیفه خلیفه الهی از جانب انسان، ویژگی‌های شش‌گانه‌ای است که سید قطب برای جامعه متمدن اسلامی بر می‌شمارد (سوزنگر، ۱۳۹۰، ج ۱۴: ۳۷۵). سید قطب نسل اول مسلمانان که پیامبر اکرم (ص) را درک کردند و تشکیل جامعه نبوی دادند؛ مصداق، نمونه و شاخص صراط مستقیم و جامعه اسلامی می‌داند. با این قید که در نسل‌های بعدی تدریجاً شکاف بین صراط مستقیم و سبیل جهان اسلام بیشتر شد و در حال حاضر، عملاً وضعیت موجود جوامع بشری- تمدن غرب و جوامع اسلامی- را همچون جاهلیت قدیم می‌داند که با بعثت نبی اکرم (ص) متحول شد. سید قطب التزام مسلمانان در سه عامل اعتقادی و بینشی، رفتاری و کنشی، و اخلاقی و گرایشی به تعالیم سازنده اسلام را به‌عنوان عوامل پیدایش نسل نمونه و شاخص نخستین مسلمانان به‌شمار می‌آورد. و از این منظر، راه‌حل خروج از جاهلیت نوین را بازگشت به سلف و صراط مستقیم می‌داند (برزگر، ۱۳۹۰: ۲۵۷).

محمد قطب در کتاب «جاهلیت القرن العشرين» بر این نکته تأکید دارد که جاهلیت منحصر به جاهلیت عربی و محدود به زمان و عصری خاص نیست بلکه حالت و کیفیتی است که می‌تواند در هر وقت، هر جا و در میان هر قوم و نژادی با هر سطحی از معرفت، توسعه فکری سیاسی و اجتماعی و پیشرفت مادی به‌وجود آید: «جاهلیت در اصطلاح قرآن- یک نوع حالت و کیفیت روحی و فکری است که از پذیرفتن هدایت الهی امتناع و تحاشی دارد و یک قسم برنامه و نظامی است که حکومت دین و آیات خدا را نمی‌پذیرد» (محمد قطب، ۱۳۶۰: ۱۴-۱۵).

جدول ۱: صورت‌بندی انگاره جاهلیت

انگاره جاهلیت						
رویکردهای معرفتی	صاحب‌نظران	مبنا	شواهد	مصادیق	اطلاق	دلالت
رویکرد تفسیری (جاهلیت در قرآن و سنت)	علامه طباطبایی، آیت الله مکارم شیرازی	آیات قرآن و روایات معصومین (ع)	«ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةَ»، «تَبَيَّنَ الْجَاهِلِيَّةَ»، «أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةَ» و «حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ»	رفتار جاهلی اعراب و جوامع غربی	فرازماني و فرامکانی	هرگونه رفتاری که مانع پذیرش دعوت حق تعالی در زمینه باور (مثل اعتقاد به رب النوع)، اخلاق (مثل تعصب) و رفتار اسلامی (عدم رعایت مثل حجاب) شود، رفتار جاهلی می‌باشد.
رویکرد فلسفی (جاهلیت در فلسفه سیاسی اسلام)	ابونصر فارابی، خواجه نصیرالدین	منشأ اعمال انسان (خیر یا شر بودن)	مدن فاضله و مدن غیرفاضله	مدن جاهله	فرازماني و فرامکانی	اجتماعات بشری ناظر به کیفیت رفتار انسانی، قابلیت تفکیک به جوامع سعادت پیشه حقیقی و غیر حقیقی دارند.
رویکرد اندیشگی (جاهلیت در دیدگاه‌های معاصر)	مودودی، سید قطب، محمد قطب	حاکمیت	جوامع بشری	رفتار جاهلی جوامع (مسلمانان و غیر مسلمانان)	فرازماني و فرامکانی	تبعیت از اراده بشری بجای پذیرش اراده حق تعالی در سطوح فردی و اجتماعی تن دادن به حاکمیت جاهلیت است.

نظام معنایی جاهلیت در گفتمان انقلاب اسلامی

۱. تقابل گفتمانی «اسلام» با «جاهلیت»

در دیدگاه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی جلوه‌ای از نهضت حضرت رسول (ص) است که نقطه مشترک هر دو نهضت قیام علیه «ظلمات جهالت» است. امام خمینی (ره) در این رابطه چنین می‌فرماید: «نهضت اسلامی مردم ایران در عصری که نمونه همان عصر جاهلیت است و در محیطی که سرنیزه، جانشین عدالت و حبس و شکنجه و اختناق به جای آزادی و فقر و فلاکت جایگزین رفاه و آسایش گردیده بود، پاگرفت و ملت ما قیام کرد، چرا که چنگال سباع ... می‌رفت تا آثار اسلام و انسانیت محو و کنگره عدالت فرو ریزد. .. در این هنگام دست قدرت الهی از آستین عدالت بیرون آمد و در پرتو «الله اکبر» متبلور شد و ملت ایران را از ضعف به قدرت، و از جُبن به شجاعت، و از رخوت به حرکت

متحول نمود» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۲: ۱۳۷). امام(ره) در جایی دیگر درباره جاهلیت چنین می‌فرماید: «یک مملکتی که می‌رفت به طرف جاهلیت، می‌رفت که احکام قرآن و اسلام فراموش بشود... (در این شرایط) ملت ما قیام کرد برای خدا و برای احیای احکام الهی... غلبه کرد بر کفر و نفاق و دست ابرقدرت‌ها را از این کشور کوتاه کرد» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۳: ۱۲۵).

در این راستا، مقام معظم رهبری، گفتمان‌های سیاسی حاکم بر جوامع بشری معاصر را، محصور در دو گفتمان اسلامی و گفتمان جاهلی می‌داند. به باور ایشان، مهمترین نشانه‌های گفتمان اسلامی در دنیای کنونی جانبداری از عدالت، آزادی بشر، سرکوب زمینه‌های استکبار و استعمار و همچنین نابودی نظام سلطه - عدم وجود سلطه‌گر و سلطه‌پذیر - است. در مقابل، گفتمان جاهلی، گفتمان ظالمانه، زورگویانه، متکبرانانه و خودخواهانه‌ای می‌باشد که از سوی قدرت‌های سلطه‌گر با پشتیبانی بنگاه‌های اقتصادی بزرگ و سودجو مدیریت می‌شوند. به باور حضرت آیت الله خامنه‌ای، گفتمان جاهلی از گذشته تا حال وجود داشته است. با این قید که این گفتمان در گذشته با صراحت و وقاحت آشکار زبانی، حقیقت خود را برملاء می‌کرده است. حال آنکه گفتمان جاهلی در دنیای معاصر، در پوشش‌های شکیل و قالب‌های زیبا همچون حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و عدم خشونت، اهداف شوم و ریاکارانه خود را تعقیب می‌نمایند. به اعتقاد حضرت آیت الله خامنه‌ای، به‌خاطر تفاوت ماهوی این دو گفتمان، امکان آشتی، همراهی و همرویی بین آنها وجود ندارد: «این دو گفتمان با هم آشتی نمی‌کنند، این دو گفتمان به هم نزدیک نمی‌شوند؛ نمی‌توانند آشتی کنند. یک گفتمان، گفتمان ظلم و ستیزه‌گری با مظلومان و ملت‌ها است؛ یک گفتمان، گفتمان حمایت از مظلومان و مقابله‌ی با ظالمان است؛ اینها چطور می‌توانند دست به هم بدهند؟!» (بیانات، ۱۳۹۴/۰۲/۳۰).

در این راستا شهید مطهری با رویکرد قرآنی به بیان تفاوت دو نوع «حیات اسلامی» و «حیات جاهلی» در قرآن می‌پردازد. حیات اسلامی، حیاتی است که طرح‌واره آن در قرآن ذکر شده است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^۱. از منظر قرآن کریم، پذیرش دعوت خداوند و رسول(ص) لازمه نیل به حقیقت و کاربست تعلیمات زندگی بخشی است که انسان را زنده می‌نماید. به باور ایشان، حیات حقیقی دو ویژگی «آگاهی» و «جنبش» در درون خود دارد. از این رو، انسان به میزان متصف شدن به آگاهی و تحرک، حیات دارد. در مقابل به اعتقاد شهید مطهری، آیات قرآن در وصف مردم جاهلیت، آنها را مردگان متحرکی می‌داند که فاقد حیات بوده و تنها بر روی زمین راه می‌روند: «أَنْتَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى»^۲ و همچنین در آیه‌ای دیگر در این رابطه چنین آمده است: «وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ»^۳ (مطهری، ۱۳۹۴، ج ۲۵: ۴۲۵).

۱. سوره انفال: آیه ۲۴.

۲. سوره نمل: آیه ۸۰.

۳. سوره فاطر، آیه ۲۲.

۲. معنای جاهلیت

به اعتقاد آیت الله خامنه‌ای «جاهلیت» در گفتمان اسلامی معنای مؤسعی داشته و ضرورتاً به معنای فقدان علم و دانش نیست. به اعتقاد ایشان، جاهلیت به معنای «حاکمیت شهوت و غضب» و در مقابل «حاکمیت عقل هدایت شده الهی» می‌باشد. این دو گونه حاکمیت می‌توانند بر سطح رفتار فردی، جامعه، دولتی و نظام بین‌الملل حاکم گردد (بیانات، ۱۳۹۵/۰۲/۱۶). با این تفاوت که حاکم شدن قوای شهوانی و غضبی بر رفتار ابرقدرت‌ها منجر به فجایع عظیمی چون دو جنگ بین‌الملل با میلیون‌ها کشته، فتنه انگیزی‌ها و شرارت‌ها می‌گردد. حال آنکه حاکمیت عقل هدایت شده منجر به همزیستی عادلانه در سطح خرد و کلان می‌شود. همان‌طور که در گفتار نظری ذکر شد، فیلسوفان مسلمان، منشأ رفتار انسانی را ناشی از قوای چهارگانه می‌دانند و تنها رفتارهایی که منشأ آن قوه عقلیه باشد، اصیل و معتبر می‌دانند. بر اساس چنین منطقی، آیت‌الله خامنه‌ای، جاهلیت را این‌گونه تعریف می‌کند: «غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی» (بیانات، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶). در واقع حاکم شدن تمایلات شهوانی و غضبی بر محیط زندگی، شرایطی را فراهم می‌سازد که تدریجاً فضایل در جوامع انسانی کم‌رنگ و ردائل حاکم می‌شود (بیانات، ۱۳۹۵/۰۲/۱۶).

۳. شهوانیت و خشونت منطبق رفتار جاهلی

آیت الله خامنه‌ای با نگاه قرآنی بر این نکته تأکید دارند که گمراهی وسیع حاکم بر زندگی مردم جاهلی، ریشه در دو امر داشته است: از یک سو، از هم گسیختگی شهوات نفسانی و جنسی محیط زندگی در جزیره العرب، ایران و روم را در بر گرفته بود و مردم غرق در شهوت و شهوترانی بودند و از سوی دیگر، خوی غضب و خشونت سبب قساوت، خونریزی و ویرانگری حتی نسبت به کودکانشان شده بود (قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ). دعوت اسلام در چنین شرایطی از جاهلیت، همه جهانیان را مورد خطاب قرار داد (لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا). به باور آیت الله خامنه‌ای چنین منطبق رفتاری در دنیای کنونی همچنان وجود دارد: «ما باید چشممان را باز کنیم و جاهلیت را بشناسیم؛ امروز هم عیناً همین معنا وجود دارد؛ شهوترانی بی‌حساب، بی‌مهاری، بی‌منطق». به باور ایشان، نمود چنین منطقی بر رفتار دنیای غرب در قالب «تمایل» قابل پیگیری است. بدین معنا که تمدن غرب، از یک سو، ترویج همجنس‌گرایی که مصداقی از شهوترانی است را در قالب «تمایل بشری» توجیه می‌نمایند. و از سوی دیگر، در شرایط کنونی، نمود «قساوت» بر رفتار جاهلیت مدرن، کشتار و سرکوب ملت‌های بی‌گناه و مظلوم برای تداوم سیاست‌های سلطه‌گرایانه می‌باشد (بیانات، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶).

۴. تفاوت جاهلیت کهن با مدرن

به اعتقاد آیت الله جوادی آملی، «زندگی جاهلانه مفهومی کلی است که مصادیق و مراتب متفاوتی دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۳۳). بر این اساس، به اعتقاد آیت الله جوادی آملی «آنچه در جاهلیت مدرن می‌گذرد

یعنی مدرنیته همان جاهلیت کهنه است؛ و پلیدی را در هر ظرفی ارائه کنند پاک نخواهد شد، بلکه ظرف نوین را نیز می‌آلاید» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۸: ۸۸). به اعتقاد ایشان، زندگی اعراب پیشااسلام مصداقی از «جاهلیت نازل» بود که با ظهور و گسترش اسلام، آن دوران پایان یافت. حال آنکه، در روایات و متون دینی از تداوم داشتن «درجات عمیق‌تر جاهلیت» تا ظهور حضرت ولی عصر(عج) سخن به میان آمده است: «زیرا این مرتبه از جاهلیت به معنی فقدان مظاهر زندگی و تمدن و از دست دادن رفاه و ابزار آن نیست» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۱: ۳۳).

در دیدگاه آیت الله خامنه‌ای تفاوت جاهلیت اولی - صدر اسلام - با جاهلیت مدرن در شکل ظاهری و نه محتوا است. به باور ایشان، جاهلیت مدرن مسلح به سلاح علم شده است. در واقع، علمی که در خدمت جاهلیت مدرن قرار گرفته است به جای آنکه کارکرد رستگاری و سعادت برای بشریت داشته باشد مایه تیره‌ورزی و بدبختی جوامع گردیده است. به باور آیت الله خامنه‌ای ابزارهای اطلاعاتی، امنیتی و تبلیغاتی نمود عینی فرآوردهای علمی هستند که «همه‌ی آنها در خدمت همان شهوت و غضب» انسانی است (بیانات، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶). آیت الله خامنه‌ای شباهت جاهلیت اولی و نوین را در وجود نشانه‌هایی چند می‌داند: «نشانه‌های همان جاهلیت، امروز در دنیا، در این تمدن رایج فاسد غربی، مشاهده می‌شود؛ همان بی‌عدالتی، همان تبعیض، همان نادیده گرفتن کرامت انسان، همان عمده کردن مسائل جنسی و نیازهای جنسی». آیت الله خامنه‌ای با استناد به قرآن کریم (وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ) تَبَرَّجْ زنانه را از نشانه‌های جاهلیت اولی و مدرن و همچنین از عمده‌ترین مظاهر فساد در تمدن غربی به‌شمار می‌آورند. با این قید که تَبَرَّجْ زنان در دنیای جدید مجهز به سلاح تبلیغات مدرن شده و از این رو مانع از روشن شدن حقایق برای مردم شده است (بیانات، ۱۳۹۳/۰۳/۰۶).

نشانه‌های جاهلی بودن تمدن غرب

ابتدال اخلاقی

شهید مطهری ضمن تأکید بر تفاوت داشتن زندگی اعراب جاهلی با زندگی صنعتی و ماشینی عصر کنونی، بر این نکته اذعان دارد که زندگی اعراب جاهلی و دنیای مدرن در مسئله ترویج و اشاعه فحشا و زنا همچون یکدیگر بوده است (مطهری، ۱۳۶۵: ۴۹). شهید مطهری با شباهت این وجه از دو بافت زندگی در گذشته و حال، چنین نتیجه می‌گیرد: «در جاهلیت بین اعراب ستر عورت معمول نبود و اسلام آن را واجب کرد. در دنیای متمدن کنونی نیز عده‌ای از غربی‌ها کشف عورت را تأیید و تشویق می‌کنند. دنیا دوباره از این نظر به سوی همان وضع زمان جاهلیت سوق داده می‌شود. راسل در یکی از کتاب‌هایش به نام در تربیت یکی از چیزهایی که از جمله اخلاق بی‌منطق و به اصطلاح «اخلاق تابو» می‌شمارد همین مسأله پوشانیدن عورت است» (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۴۲).

شهید مطهری اخلاق حاکم بر نظام اجتماعی غرب را در مسیر فقه‌گرایی می‌داند و از آن به «جاهلیت» یا «توحش» یاد می‌کند: «عجیب است که بشر به نام تمدن می‌خواهد به فقرا و توحش بازگردد. در قرآن کریم کلمه «الجاهلیة الأولى» وارد شده است. شاید اشعار به همین جهت باشد که جاهلیت قدیم نخستین جاهلیت بوده است. در بعضی از روایات آمده است که «ای سَتَکُونُ جَاهِلِيَّةً أُخْرَى» یعنی مفهوم آیه این است که به زودی یک جاهلیت دیگر هم به وجود خواهد آمد» (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۴۳).

تکلیف‌گرایی

آیت الله مصباح در نقد کسانی که تکلیف‌گرایی انسان مدرن را لازمه تمدن می‌دانند با استناد به آیه قرآنی (أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ. وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ)، تکلیف‌گرایی انسان را نشانه‌هایی از توحش و جاهلیت می‌داند و بر این نکته تأکید دارد که خودداری از پذیرش حق و سرسنگینی در برابر تکلیف، ناشی از خوی حیوانی، دمنشی و پیروی از شیطان است که «اختصاص به انسان مدرن ندارد و به واقع این انسان مدرن است که از لوازم مدنیت دست کشیده، رو به عصر جاهلیت و توحش نهاده است... تمدن و مدنیت در مقابل توحش است و لازمه و شرط اصلی آن، پذیرش قانون است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۸۸). در نگاه آیت الله مصباح، تکلیف‌گرایی در واقع همان التزام به احکام الهی است. ایشان با استناد به خطبه ۱۹۲ از نهج البلاغه «أَلَا وَ أَنْكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنْ حَبْلِ الطَّاعَةِ وَ تَلَمَّثْتُمْ حِصْنَ اللَّهِ الْمُضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأَحْكَامِ الْجَاهِلِيَّةِ» بر این نکته تأکید دارد که حضرت امیر(ع) یاران خویش را به خاطر اینکه از التزام و اجرای احکام اسلامی شانه خالی کردند و زمینه جایگزین کردن احکام جاهلی به جای احکام الهی را در جامعه فراهم ساختند و در نتیجه، دژ محکم اسلام را سوراخ نمودند؛ سرزنش می‌کنند. آیت الله مصباح با اتمام به سیره علوی بر این نکته تأکید دارد که دولت جمهوری اسلامی نمی‌تواند به بهانه برخی از خدمات مفید که از جمله وظایف دولت است، اقدامات و رفتارهایی انجام دهد که دژ اسلام را تخریب و تضعیف نماید (بیانات آیت الله مصباح، ۱۶ و ۱۳۸۳/۱۱/۱۵).

نسبیت‌گرایی

به اعتقاد آیت الله مصباح، فلسفه جدید غرب در معرفت‌شناسی به شک‌گرایی و نسبیت‌گرایی رسیده و هرگونه مطلق‌انگاری و معرفت‌یقینی را رد می‌کند. این در حالی است که در آموزه‌های قرآنی بر رسیدن به معرفت‌یقینی تأکید و از هرگونه شک‌گرایی اجتناب شده است. آیه شریفه قرآن، صالحان را از پیروان یقین دانسته (وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ) و بر این نکته تأکید دارد که عملاً رسیدن به معرفت‌یقینی ممکن است. و در مقابل، کسانی را که اهل شک هستند؛ ملامت و سرزنش نموده است. به اعتقاد آیت الله مصباح، چنین منطق معرفت‌شناسانه‌ای در غرب، بیانگر ظهور جاهلیت نوین است: «این جاهلیت نوینی است که امروز با آن مواجه هستیم؛ در مقابل جاهلیتی است که قرآن کریم از آن با عنوان «جاهلیت اولی» یاد

می‌کند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۹). به اعتقاد آیت الله مصباح، اطلاق «جاهلیت ثانیه یا جاهلیت جدید» برای طرز تفکر عقلانی و فلسفی دنیای جدید از آن حیث که بر شک معرفتی تأکید دارند؛ بهترین تعبیر است: «اگر ما این دنیا را با این طرز فکر «جاهلیت ثانیه» یا جاهلیت جدید بنامیم، بهترین تعبیر را به کار برده‌ایم. چون خود ایشان به ندانستن و تردید خود افتخار می‌کنند و می‌گویند آخرین مراحل معرفت ما این است که به شک می‌رسیم و اصلاً غیر از شک معرفتی امکان ندارد» (پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی).

عصیبت قومی - ملی

در دیدگاه امام خمینی (ره)، «عصیبت» یکی از نشانه‌های جاهلیت بوده و مانع پذیرش نور ایمان در انسان می‌شود: «آینه قلب اگر به زنگار خودخواهی و خویشاوند پرستی و عصیبت بی‌موقع جاهلیت محجوب شود، در او جلوه نور ایمان نشود و خلوتگاه خاص ذوالجلال تعالی نشود» (خمینی، ۱۳۷۱: ۱۴۷). در واقع، ریشه بسیاری از جانبداری‌های ظالمانه، ستیزهای فردی و جمعی و تسلیم نبودن در برابر حق و حقیقت، «تعصب» است. نمودهایی از این تعصب‌های کورکورانه در قومیت‌گرایی‌ها و ملی‌گرایی‌ها نمود یافته است. در این راستا، شهید مطهری از نشانه‌های جاهلیت قرن بیستم را ملی‌گرایی و قومیت‌گرایی می‌داند: «در جاهلیت قرن بیستم تحت نفوذ استعمار، قومیت‌ها و ملیت‌ها تا حد زیادی تحریک می‌شود و این سبب تفرقه مسلمانان است. فرقی که هست اعراب با مقیاس قبیله و امروز با مقیاس نژاد و ملت، تفاخر جاهلی می‌کنند. ما در مقاله «ایران و اسلام» در این باره بحث کردیم» (مطهری، ۱۳۹۴، ج ۲۵: ۱۰۶).

جاهلیت مدرن و راهکارهای مقابله با آن

گستره و تداوم جاهلیت

امام خمینی (ره) در پیام به مناسبت شهادت آقای اشرفی اصفهانی، دنیای معاصر را این‌گونه معرفی می‌کند: «بارالها، ملت مجاهد ایران در این عصر جاهلیت و تاریک، مظلومند و بجز اتکال به درگاه تو و اعتماد به عنایات تو پناهی ندارند و از پیشگاه مبارک تو استمداد می‌کنند» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۷: ۵۱). به اعتقاد آیت الله خامنه‌ای، «جاهلیت» نقطه مقابل «بعثت» پیامبر (ص) است. با این قید که اولاً باید توجه کرد که جاهلیت مختص اعراب نبوده بلکه جاهلیت عمومیت داشته و امپراطوری ایران و روم در آن زمان را نیز در بر گرفته است (بیانات، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶). ثانیاً جاهلیت یک امر تاریخی در ادبیات اسلامی نیست که تنها مختص دوران ماقبل باشد و با بعثت پیامبر (ص) پایان یافته باشد. بلکه همان‌طوری که جبهه بعثت، بعد از پیامبر (ص) تداوم یافته است جبهه مقابل آن یعنی جاهلیت تداوم یافته است: «اینکه ما جاهلیت مستقر امروز دنیا را جاهلیت مدرن می‌نامیم، به خاطر همین است. دوران جاهلیت پایان نیافته است. جاهلیت یعنی مقابله‌ی با حق، مقابله‌ی با توحید، مقابله‌ی با حقوق انسان، مقابله‌ی با راهی که خدا برای انسان‌ها در جهت سعادت گشوده است». به اعتقاد آیت الله خامنه‌ای، جاهلیت در دوران معاصر با شکل مدرن و با استفاده‌ی از دانش، فناوری‌های پیشرفته و سلاح هسته‌ای و همچنین انواع تسلیحات، عاملی برای افزون طلبی و ثروت اندوزی قدرتمندان گردیده است (بیانات، ۱۳۸۹/۰۴/۱۹). بر اساس چنین

منطقی، آیت الله خامنه‌ای، دنیای کنونی را دنیای جاهلیت، ظلم، زورگویی و در یک کلام «دنیای غلبه‌ی شهوتران‌ها و زورگوها بر اکثر مردم جهان» دانسته و ضرورت اقدام هوشمندانه، مدیرانه و شجاعانه را برای مدیریت و خنثی کردن این خباثت‌ها و تباهی را لازم می‌دانند (بیانات، ۱۳۸۹/۰۱/۲۲). نتیجه آنکه براساس دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جاهلیت امری غیرتاریخی، فراگیر و مقابله با آن «وظیفه همگانی» است: «بعثت در مقابل این جریان جاهلی است که در همه‌ی زمان‌ها ممکن است وجود داشته باشد و همه‌ی انسان‌ها در مقابل آن موظفند» (بیانات، ۱۳۹۵/۰۲/۱۶).

در این راستا، به باور شهید مطهری، ایران پیشااسلام به نسبت اعراب به خاطر اعتقاد به ثنویت، آتش پرستی، هوم پرستی و آفتاب پرستی از جاهلیت عمیق‌تری رنج برده است: «خدمت اسلام به ایران از این لحاظ بیش از خدمت این دین به عربستان است، زیرا جاهلیت عرب تنها دچار شرک در عبادت بود اما جاهلیت ایران علاوه بر این، گرفتار شرک در خالقیت بود» (مطهری، ۱۳۶۲: ۳۲۱).

در نگاه شهید مطهری، امکان احیاء جاهلیت در هر دوره تاریخی وجود دارد. چنان که از اهداف بنی‌امیه «برگرداندن اوضاع به ماقبل اسلام، (و) احیای جاهلیت ولی در زیر ستار و پرده اسلام» بود که البته با قیام و نهضت امام حسین(ع) این هدف خنثی شد (مطهری، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۱۴). از این رو، به باور شهید مطهری یکی از علل وقوع نهضت اسلامی در ایران، اقدام برخی از تفکرات و جریان‌ها علیه اهداف عالی‌ه اسلامی و تلاش برای بازگشت به ایران جاهلی بوده است: «کوشش برای بازگرداندن ایران به جاهلیت قبل از اسلام و احیای شعارهای مجوسی و میراندن شعارهای اصیل اسلامی» (مطهری، ۱۳۶۸: ۶۶).

نمود عینی سیاست جاهلی مدرن

به اعتقاد حضرت آیت الله خامنه‌ای، سیاست‌های دولت آمریکا و متحدان او در منطقه غرب آسیا مبنی بر اسلام‌ستیزی، ایران ستیزی و شیعه ستیزی مصادیقی روشن از جاهلیت در عصر کنونی است: «جاهلیت امروز، در روح و معنا، همان جاهلیت دوران پیغمبر است؛ البته با ابزارهای جدید، با شاکله‌ی جدید، با تدابیر جدید». به باور آیت الله خامنه‌ای تداوم سیاست‌های شیطانی دولت‌های استکباری و عدم ایستادگی و مقابله در برابر آنها زمینه طغیان قدرت‌های شیطانی را فراهم می‌سازد. ایشان با استناد به آیه «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ^۱»، جاهلیت را مظروف جبهه طاغوتی قلمداد کرده و معیاری برای تمییز جبهه الهی از طاغوتی ارائه می‌دهند: «این [آیه] معیار است. هر قدمی که کسی برای تقویت طاغوت بردارد، در جبهه‌ی طاغوت قرار می‌گیرد». با اهتمام به آیات شریفه قرآن کریم، پیامد سیطره حاکمیت طاغوتی بر حیات بشری «فساد کردن و ترویج آن» است: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثُ وَالنَّسْلُ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ^۲». حضرت آیت الله خامنه‌ای حمله اتمی به هیروشیما و ناکازاکی و تخریب زیرساخت‌های ملی در کشورهای همچون افغانستان و عراق و کشته شدن صدها

۱. نساء: آیه ۷۶.

۲. بقره: آیه ۲۰۵.

هزار نفر از غیر نظامیان را نمونه‌هایی از فساد طاغوتیان در جبهه جاهلیت می‌دانند: «استعمار و تحقیر ملت‌ها و غارت منابع مالی ملت‌ها و فاسدکردن منابع انسانی ملت‌ها، ناشی از آن حاکمیت جاهلیت است» (بیانات، ۱۳۹۵/۰۲/۱۶). و وظیفه قطعی مسلمانان را در چنین وضعیت اسفناکی را این‌گونه ترسیم می‌نمایند: «[این وضعیت] یک وظیفه‌ای را بر عهده‌ی همه‌ی مسلمان‌ها و بر همه‌ی امت اسلامی مسلّم می‌کند و متحتم می‌کند؛ وظیفه و وظیفه‌ی مقابله است» (بیانات، ۱۳۹۵/۰۲/۱۶).

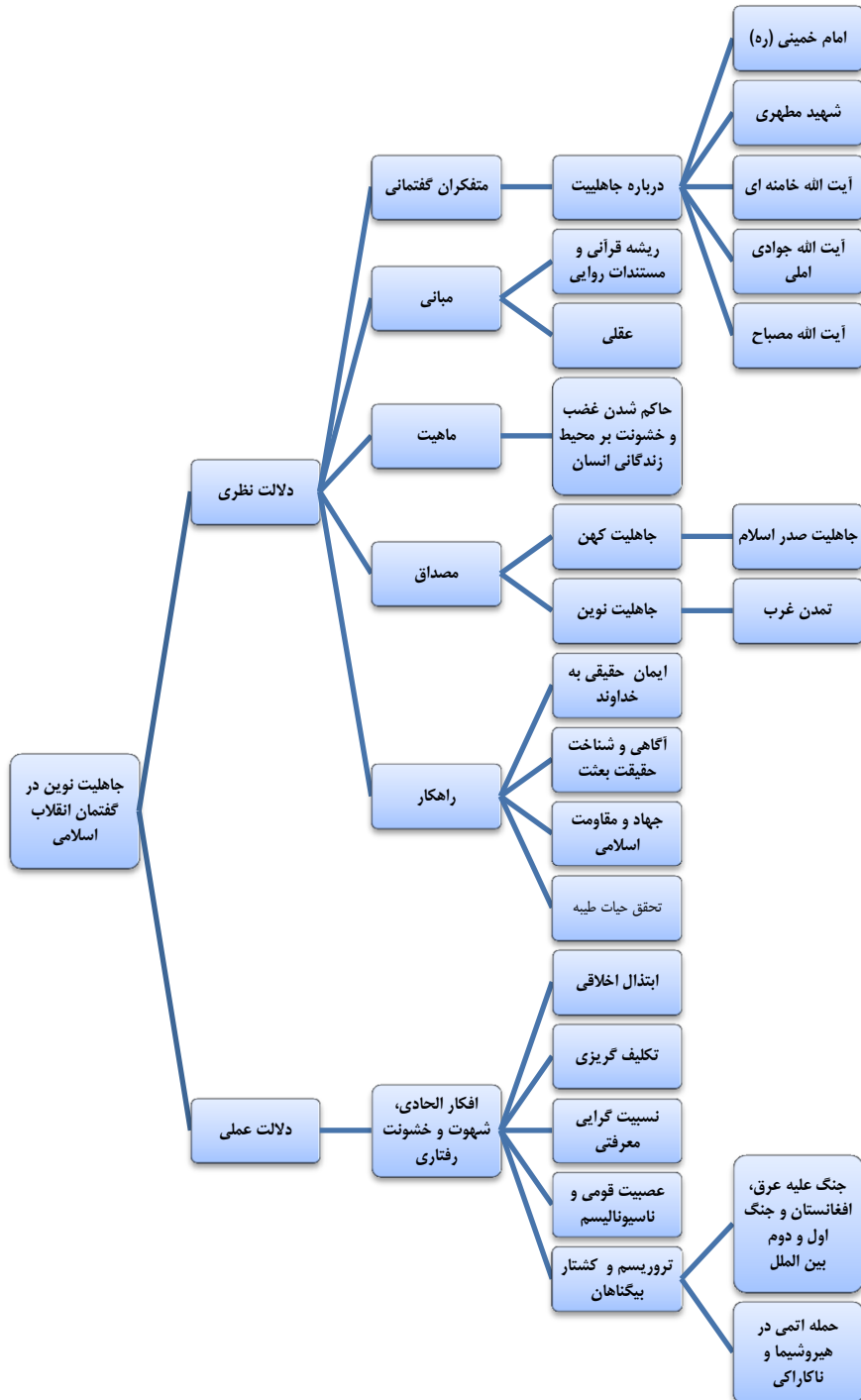
راهکار مقابله با جاهلیت

بر اساس دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی برای مقابله با جاهلیت مدرن، می‌توان دو راهکار سلبی (بصیرت و مقاومت اسلامی) و ایجابی (تلاش برای تحقق حیات طیبه اسلامی)، ترسیم کرد. امام خمینی (ره) در کتاب شرح چهل حدیث، عصبیت را از نشانه‌های جاهلیت می‌داند. در این راستا، به اعتقاد امام (ره) لازمه گام گذاشتن در مسیر «حق و حقیقت» و اجتناب از «جهل و نادانی»، متصف بودن به ایمان الهی و بندگی خالصانه او و پیراستن از هر عصبیت است (خمینی، ۱۳۷۱: ۱۴۷). در نگاه حضرت امام (ره)، تقوا و مقاومت اسلامی - جهاد - لازمه زدودن جاهلیت قدیم و جدید است. و از این‌رو، حضرت امام (ره) به جوانان شهادت طلب ایرانی می‌بالد و در وصف آنها چنین زبان به ستایش می‌گشود: «امروز میلیون‌ها جوان... از بذل مال و جان و فرزندان خویش در راه خدا لذت می‌برند و ملاک ارزش و برتری در نزد آنان تقوا و سبقت در جهاد گردیده است و از تفرعن‌ها و خودنمایی‌های جاهلیت قدیم و جدید متنفرند و من خودم را خادم یک چنین ملتی می‌دانم و به این خدمت افتخار می‌کنم» (خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۰: ۳۳۳).

در دیدگاه مقام معظم رهبری، جاهلیت در دنیای معاصر با توان و خطر دوچندانی نسبت به جاهلیت قبل از بعثت باز تولید شده است. به باور ایشان امید غلبه بر جاهلیت سیطره یافته کنونی مشروط به دو امر است: «در درجه‌ی اول «بصیرت» است و در درجه‌ی دوم «عزم و همت» (بیانات، ۱۳۹۴/۰۲/۲۶). در این راستا، آیت الله خامنه‌ای وظیفه مقابله با جاهلیت را همگانی و برای آحاد جامعه اسلامی می‌داند. اولین وظیفه امت اسلامی «آگاه شدن و آگاهی بخشی» از حقیقت بعثت است. بعثتی که برای «نجات انسان و نجات بشر» و «استقرار نظام صلاح و سداد در میان جامعه‌ی بشری» در مقابل جاهلیت صف‌آرایی کرده است. به باور حضرت آیت الله خامنه‌ای، نقطه عزیمت وظیفه خودآگاهی و آگاهی بخشی با تشکیل نظام جمهوری اسلامی در دنیا رقم‌خورده و هر روز قوی‌تر و عمیق‌تر شده است. در این مسیر، حضرت آیت الله خامنه‌ای التزام به معارف و آموزه‌های قرآنی را لازم و ضروری می‌دانند. ایشان با استناد به آیه شریفه‌ی قرآن «فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»، سیره عملی امام (ره) در بیداری امت اسلامی را مبتنی بر استقامت در راه و توکل الهی می‌داند. بر این نکته تأکید دارند که با انجام وظایف همگانی در سطوح مختلف نخبگان و غیرنخبگان، نصرت الهی قطعاً محقق خواهد گردید و با کوتاهی در

انجام تکلیف، سنت الهی بر جایگزینی قومی دیگر به جای مسلمین معاصر خواهد بود: و نصرت اسلام و نصرت مسلمین در نهایت قطعی است، منتها ما وظیفه‌ای داریم؛ هم افراد وظیفه دارند، هم جماعات وظیفه دارند، هم نخبگان سیاسی کشورها وظیفه دارند، رؤسای دولت‌های اسلامی وظیفه دارند؛ هر کدام به وظیفه‌ی خودشان عمل کردند، پیش خدای متعال مأجورند، عمل هم نکنند «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ»^۱ (بیانات، ۱۳۹۵/۰۲/۱۶).

از این رو حضرت آیت الله خامنه‌ای، ایجاباً راهکار برون رفت از «ظلمات جاهلیت قرن بیستم» - که برآیند سبک زندگی غربی است - تلاش همگان برای تحقق «حیات طیبه اسلامی» می‌داند. به باور ایشان سلامت و شیرینی زندگی در جمهوری اسلامی بخاطر حرکت در جهت اسلام و تنگنا و تلخی زندگی بخاطر عدم توفیق در جهت اسلام بوده است (بیانات، ۱۳۶۸/۱۰/۱۹).



نتیجه گیری

این نوشتار درصدد پاسخ به این سؤال اصلی بوده است: «مبانی نظری و مصادیق عملی کاربست انگاره جاهلیت در گفتمان انقلاب اسلامی چیست؟». یافته‌های پژوهش، فرضیه نگارنده را تأیید و بر دلالت‌های نظری و عملی چندگانه جاهلیت در گفتمان انقلاب اسلامی تأکید دارد. مهمترین «دلالت‌های نظری» کاربست انگاره جاهلیت مدرن در گفتمان انقلاب اسلامی به شرح ذیل می‌باشد:

الف. انگاره جاهلیت در گفتمان انقلاب اسلامی ریشه قرآنی و مستند روایی دارد و اطلاق این اصطلاح از جانب خداوند متعال و ائمه اطهار علیهم السلام برای توصیف هرگونه باور، اخلاق و رفتار غیراسلامی یا ضد اسلامی بوده است.

ب. جاهلیت از لحاظ معنایی و مصداقی در تقابل و تضاد با فلسفه و هدف «بعثت» نبی اکرم(ص) بوده است. همچنان که پیام و هدف بعثت تداوم دارد؛ باورها، اخلاق‌ها و رفتارهایی که منافی بعثت- جاهلیت- هستند، در گستره زمان قابل پیگیری و مشاهده است.

ج. جاهلیت به معنای حاکم شدن «غضب و شهوت» بر رفتار انسانی و در مقابل حاکم شدن «عقل هدایت شده الهی» بر رفتار انسانی می‌باشد.

د. لازمه زودن و مقابله با باور، اخلاق و رفتار جاهلی متصف بودن به ایمان الهی و تقید به احکام الهی می‌باشد. این مهم از طریق شناخت حقیقت بعثت، جهاد فی سبیل الله و مقاومت اسلامی محقق می‌گردد.

دلالت‌های عملی گفتمان انقلاب اسلامی برای کاربست انگاره جاهلیت مدرن به قرار زیر است:

الف. قرآن کریم رفتارهایی که منشاء آن شهوت- نظیر زنا (اسراء/۳۲)، رباخواری (بقره/۲۷۵ و ۲۷۶) // میگساری (بقره/۲۱۹)، - و همچنین غضب و خشونت- نظیر کشتن فرزندان از بیم فقر (انعام/۱۵۱) // زنده به گور کردن دختران (تکویر/۸)، قتل انسان‌های بی‌گناه- باشد، مصادیقی از رفتار جاهلی به‌شمار می‌آید. در دنیای معاصر نیز نمودهای عینی از این رفتارها در سطحی پیچیده، گسترده و در ظواهری جدید قابل رویت است.

ب. استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در هیروشیما و ناکازاکی، تخریب زیرساخت‌ها در کشورهای نظیر عراق و افغانستان و کشته‌شدن بی‌گناهان در جنگ‌های جهانی اول و دوم و همچنین جنگ‌های اخیر در کنار ترویج عصبیت (ناسیونالیسم)، فحشاء و منکرات- تبرج زنان، فساد اخلاقی، اسراف‌گرایی و... - از جمله دلالت‌های عملی انگاره جاهلیت مدرن است.

منابع

- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- امانی، محمدعلی (۱۳۹۲)، *سنن جاهلی عرب و روش برخورد قرآن کریم*، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۷۸)، *مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن مجید*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزنان.
- باغستانی، اسماعیل (۱۳۹۳)، *مدخل «جاهلیت»*، در: دانشنامه جهان اسلام، ج ۹.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۰)، *استعاره صراط در اندیشه سیاسی سید قطب*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۸)، *تسنیم*، (مجموعه تفسیر منتشر شده)، قم: اسراء
- جوادی آملی، عبد الله (۱۳۸۱)، *نسبت دین و دنیا*، محقق علیرضا روغنی، قم: اسراء
- خسروی، غلامرضا (۱۳۹۰)، *«مودودی» در اندیشه سیاسی متفکران معاصر*، به اهتمام علی اکبر علیخانی، جلد چهاردهم. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خمینی، روح الله (۱۳۶۹)، *وصیت نامه سیاسی- الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۱)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۵)، *تفسیر سوره حمد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- خمینی، روح الله (۱۳۸۷)، *صحیفه امام*، ۲۲ جلد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
- سوزنگر، سیروس (۱۳۹۰)، *«سید قطب» در اندیشه سیاسی متفکران معاصر*، به اهتمام علی اکبر علیخانی، جلد چهاردهم. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شعبانپور، محمد؛ بشارتی، زهرا (۱۳۹۲)، *«راهکارهای اخلاقی مقابله با مؤلفه‌های جاهلیت در جوامع مدرن (با تکیه بر قرآن و دعای مکارم‌الأخلاق)»*، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۴، شماره ۱۵.
- شعبانپور، محمد؛ بشارتی، زهرا (۱۳۹۴)، *«مؤلفه‌های قرآنی فرهنگ جاهلیت و مصادیق آن در جوامع مدرن»*، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال ششم، شماره ۱۹.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، *تفسیر المیزان*، ترجمه موسوی همدانی سید محمد باقر، ۲۰ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳)، *الاحتجاج*، نشر مرتضوی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۸۹)، *احصاء العلوم*، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۵)، *تفسیر نور*، ج ۳، تهران: مؤسسه در راه حق.
- قطب، محمد (۱۳۶۰)، *جاهلیت قرن بیستم*، ترجمه صدر الدین بلاغی، تهران: امیر کبیر.
- کلینی، ابو جعفر (۱۴۰۷)، *الکافی*، مصحح علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محدثی، جواد (۱۳۹۴)، *بر کرانه شرح چهل حدیث امام خمینی (ره)*، تهران: عروج.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۷)، *کاووش‌ها و چالش‌ها*، تحقیق و نگارش محمدمهدی نادری‌قمی، ابراهیم حسینی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، *نظریه سیاسی اسلام*، جلد اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره).
- مصباح، محمد تقی (۱۳۸۳)، «بیانات حضرت آیت الله محمد تقی مصباح یزدی در جمع ناظران شورای نگهبان (۱۳۸۳/۱۱/۱۶)»، موجود در سایت: <http://www.mesbahyazdi.ir/node/324>
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، *خدمات متقابل اسلام و ایران*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۵)، *مسئله حجاب*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، *حماسه حسینی*، جلد دوم، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹)، *اسلام و مقتضیات زمان*، جلد ۱، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۴)، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مودودی، سید ابوالاعلاء (۱۳۳۳)، *اسلام و جاهلیت*، تهران: فردوسی.
- نصیرالدین طوسی، محمد (۱۳۷۳)، *اخلاق ناصری*، تصحیح مجتبی مینویی و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.
- النعمانی، ابراهیم (۱۳۹۹)، *الغیبه*، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.
- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی، موجود در: <http://www.mesbahyazdi.ir/node/1635>
- مجموعه بیانات مقام معظم رهبری موجود در سایت <http://farsi.khamenei.ir>
- Taylor, Charles (2007), *A Secular Age*, Harvard University Press.